

تحلیل گفتمان ابعاد فضا‌سازانه و ایدئولوژیک طرح‌های شهری اراضی عباس‌آباد^۱

فرشاد نوریان^۱، علیرضا خادم آرانی^۲

۱. دانشیار، دانشکده شهرسازی دانشگاه تهران.

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد شهرسازی (طراحی شهری) دانشگاه تهران

fnoorian@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: [۱۴۰۰/۳/۲۹]

تاریخ دریافت: [۱۴۰۰/۱/۳]

چکیده

اهداف: اراضی عباس‌آباد از مکان و موقعیت ویژه‌ای در شهر تهران برخوردار است و به همین دلیل در طول نیم قرن گذشته همواره مورد توجه تصمیم‌سازان، تصمیم‌گیران، برنامه‌ریزان و طراحان شهری قرار گرفته است. طرح‌های شهری ارائه شده برای این اراضی، علاوه بر جنبه‌های طراحیانه- فضا‌سازانه، حاوی ابعاد ایدئولوژیک ویژه‌ای است که شاید در نگاه اول آشکار نشود. فهم و تبیین این ابعاد در کنار ارائه خوانشی منسجم از روند شکل‌گیری طرح‌های شهری در محدوده اراضی عباس‌آباد، هدف عمده مقاله پیش‌روست.

روش‌ها: برای فهم بهتر این دو جنبه، از روش تحلیل گفتمان استفاده می‌شود. بهره‌گیری از این شیوه در کنار تعریف مفهوم ایدئولوژی و رابطه درهم‌تنیده آن با گفتمان و نیز کاربست آن در نظام دانشی شهرسازی، راه را برای رسیدن به مطلوب هموارتر می‌کند. بر این اساس با تکیه بر رویکردی ساختارگرایانه مبتنی بر آموزه‌های زبان‌شناسانه در مواجهه با اسناد موجود، دو بخش عوامل درون‌زبانی و برون‌زبانی در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرد. یافته‌ها: بر مبنای رویکرد روش‌شناسانه مقاله، از یک‌سو عوامل درون‌زبانی دربردارنده جنبه‌های طراحیانه- فضا‌سازانه طرح‌هاست و از سوی دیگر عوامل برون‌زبانی ناظر بر جنبه‌های ایدئولوژیک آن‌ها. بر همین اساس نشان داده می‌شود ایده‌های موجود در ابعاد طراحیانه- فضا‌سازانه هر یک از طرح‌های پیشنهادی، تلاشی برای تحقق بخشی بر بعد ایدئولوژیک این طرح‌هاست؛ که از قضا در چشم‌اندازهای نخستین آن‌ها قابل مشاهده است. نتیجه‌گیری: با وجود تفاوت‌های صوری-ظاهری موجود در ابعاد فضا‌سازانه طرح‌های شهری اراضی عباس‌آباد در دو بازه زمانی مدنظر مقاله، هر یک از این طرح‌ها از منطق ایدئولوژیک خاص و منحصر به فرد خود پیروی می‌کند؛ که به شکلی مشخص به چشم‌اندازهای اولیه طرح‌ها گره می‌خورد.

کلیدواژه: اراضی عباس‌آباد، ابعاد فضا‌سازانه، ابعاد ایدئولوژیک، طرح‌های شهری، تحلیل گفتمان

۱ این مقاله از پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد نویسنده‌ی دوم با عنوان «تبیین طراحی شهری در پارادایم پسا-کارتزین با رویکرد روانکاوی لاکانی؛ مطالعه‌ی موردی طرح‌های شهری اراضی عباس‌آباد» گردآمده که با راهنمایی نویسنده‌ی اول در شهریور ماه ۱۳۹۹ ارائه گردیده است.

مقدمه

با گذشت حدود نیم قرن از اولین اقدامات صورت گرفته در اراضی عباس‌آباد، این محدوده همچنان در کانون توجه تصمیم گیران و برنامه‌ریزان و طراحان شهری قرار دارد. طرح‌های شهری ارائه شده برای اراضی عباس‌آباد پیش و پس از انقلاب اسلامی نمونه بارز این اقدامات است. برای همین ارائه خوانشی از این تلاش‌های گسترده، با وجود اهمیت قابل توجه در حوزه مطالعات شهری، امکانی برای مواجهه انتقادی با طرح‌ها، تهیه شده، فراهم می‌کند. اما به واسطه ماهیت این طرح‌ها، شیوه خاصی برای مواجهه انتخاب شده است؛ شیوه‌ای که روش‌شناسی پژوهش را به سمت روش تحلیل گفتمان انتقادی^۲ هدایت می‌کند. گرچه طرح‌های شهری دارای جنبه‌های مختلف کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و حتی زیست‌محیطی است؛ با این حال بر مبنای روش تحلیلی این مقاله که خود چارچوبی دو بخشی برای تحلیل را پیش‌رو قرار می‌دهد (تحلیل ساختاری و تحلیل بافتاری)، طرح‌های شهری از دو منظر کلی طراحانه-فضاسازانه و ایدئولوژیک مورد تحلیل قرار می‌گیرد. بر مبنای این شیوه تحلیل، دو بعد طراحانه-فضاسازانه و ایدئولوژیک طرح‌های شهری، ترجمه‌ای از دو سطح تحلیل از مقیاس درون‌زبانی- ساختاری به مقیاس برون‌زبانی-بافتاری خواهد بود. بر این اساس تحلیل در مقیاس درون‌زبانی- ساختاری طرح‌های ناظر بر بعد طراحانه-فضاسازانه است و تحلیل در مقیاس برون‌زبانی-بافتاری، به چگونگی کارکرد بعد ایدئولوژیک در این طرح‌ها می‌پردازد. هدف اولیه از این تحلیل، از یک سو ارائه خوانشی از روند شکل‌گیری طرح‌های شهری در محدوده اراضی عباس‌آباد است و از سوی دیگر، پرداختن به ارتباط دو بعد مذکور به میانجی مفهوم ایدئولوژی.

مفهوم ایدئولوژی اولین بار در اواخر قرن هجدهم تحت عنوان «علم ایده‌ها»^۳ مطرح شد [۱]. مفهومی که در ارتباط با واژه «سلطه»^۴ مفهوم‌سازی می‌شود و در اصل، منافع گروهی را بازتولید می‌کند [۲]. به عقیده پوریس و هانت (۱۹۹۳) ایدئولوژی به مثابه دیدگاهی جامعه‌شناختی است [۳]؛ که تنها زمانی زمانی پذیرفته می‌شود که به عنوان «عقل سلیم»^۵ شناخته شود [۴]. بر همین اساس ایگلتون^۶ در کتاب خود با عنوان «درآمدی بر ایدئولوژی»^۷ معتقد است ایدئولوژی خود را هم چون همه کس آن را می‌داند عرضه می‌کند یعنی (نوعی از حقیقت کلی ناشناخته) [۵، ص: ۴۹]. همین امر سبب می‌شود که ایدئولوژی در نقش یک «سیستم باور اجتماعی مشترک»^۸ عمل کند [۶]؛ زانوتو همچنین ضرورت پرداختن به موضوع ایدئولوژی را نوعی تلاش برای کشف چیزهایی می‌داند که معمولاً پنهان می‌شوند [۶]. همین جنبه از مفهوم ایدئولوژی است که در فرایند تحلیل طرح‌های شهری اراضی عباس‌آباد به بررسی ابعاد پنهان این طرح‌ها می‌پردازد.

ایدئولوژی به صورت اصول بدیهی بازنمایی می‌شود [۷]. تلقی ون‌دیک به روشنی با تعریف ایگلتون از مفهوم ایدئولوژی به مثابه «نوعی حقیقت کلی ناشناخته» که «همه آن را می‌دانند» [۵، ص: ۴۹] مشابهت دارد. برای ون‌دیک تعریف ایدئولوژی بر چهار فرض پایه‌ای قرار دارد؛ سیستم‌های عقیدتی^۹، عقاید مشترک اجتماعی^{۱۰}، بنیادین یا بدیهی^{۱۱}، دارای روند تدریجی چه در به دست آمدن^{۱۲} و چه در از هم گسیختن^{۱۳} [۷]. سه فرض اول با تعریف ایگلتون همپوشانی دارد، اما فرض چهارم نکته مهمی در مواجهه با این مفهوم دربر دارد،

2 Critical Discourse Analysis

3 science of ideas

4 domination

5 common sense

6 Terry Eagleton

7 Ideology: an introduction

8 Ideology as a socially shared belief system

9 Belief systems

10 Belief socially shared

11 fundamental or axiomatic

12 Gradually acquired

13 Gradually disintegrate

که پیش از هر چیز بر تدریجی بودن دلالت دارد؛ ویژگی‌ای که هم در فرایند شکل‌گیری و هم در فرایند از هم پاشیدن ایدئولوژی وجود دارد. به عبارت دیگر، ایدئولوژی هم در زمان شکل‌گیری و هم زمانی که از هم می‌پاشد، روندی تدریجی طی می‌کند.

از طریق مطالعه رابطه ایدئولوژی و نظریه گفتمان، می‌توان به رابطه درهم‌تنیده این دو پی برد؛ بر این اساس پیروان نظریه گفتمان مانند فوکو، لاکلاو و موفه معتقدند موضوع غیر ایدئولوژیک وجود ندارد [۸]. از همین رو لویی آلتوسر^{۱۴} فیلسوف معاصر معتقد است که ایدئولوژی تاریخ ندارد و [مفهومی] ابدی است [۹، ص: ۵۷]. بر همین اساس فرکلاف معتقد است که در صورت‌بندی‌های ایدئولوژیک-گفتمانی گوناگونی وجود دارد؛ که هر کدام نوعی جامعه زبانی است که هنجارهای گفتمانی ویژه خود را دارد [۱۰، ص: ۲۵]. از سوی دیگر مفهوم جامعه زبانی فرکلاف با صورت‌بندی فوکو از مفهوم انجمن‌های سخن-مفهومی که فوکو در درس‌گفتار افتتاحیه خود در کلژدوفرانس به آن اشاره می‌کند-نزدیک به نظر می‌رسد که در مقاله پیش‌رو به معنای کلیه افراد، نهادها، سازمان‌ها و مراجعی است که در امر تهیه، ارائه و تصویب طرح‌های شهری اراضی عباس‌آباد نقش دارند.

درهم‌تنیدگی مفهوم ایدئولوژی و گفتمان

به منظور رجوع به واژه گفتمان، حرکت در مسیر فهم واژه ایدئولوژی، امری اجتناب‌ناپذیر است؛ ایگلتون اهمیت این رابطه درهم‌تنیده را این چنین بیان می‌کند: «ایدئولوژی به جای آن که مسئله‌ای مربوط به زبان باشد مربوط به گفتمان است؛ شما نمی‌توانید با واریسی عبارتی جدا از زمینه گفتمانی آن تصمیم بگیرید» [۵، ص: ۳۴]. گفتمان‌ها؛ وسیله‌ای هستند که ایدئولوژی‌ها از طریق آن‌ها بیان، منتقل، حاصل و بازتولید می‌شوند [۶]؛ حال آن که ایدئولوژی‌ها بستری برای گفتمان‌ها و دیگر پراکتیس‌های اجتماعی به عنوان شیوه‌های خاص گفتن بر «پایه شیوه‌های خاص دیدن» [۴، ص: ۷۴۹] فراهم می‌آورد [۶]. توفیق و همکاران در پروژه «نامیدن تعلیق» گفتمان را به عنوان «مجموعه‌ای منسجم از گزاره‌ها» معرفی می‌کنند که برای قوام بخشیدن به حوزه‌ای مفهومی عمل می‌کند [۱۱، ص: ۲۵۱]. تعریفی که به شکل مشابه در کتاب اریک متیوز^{۱۵} با عنوان «فلسفه قرن بیستم فرانسه» با بیانی فوکویی دیده می‌شود: «مجموعه قاعده‌مندی از گزاره‌ها که توسط اجتماعی از انسان‌ها به آن چه دانش می‌خوانند، شکل می‌دهد» [۱۲].

• نورمن فرکلاف

فرکلاف با استناد به منظری فوکویی درباره مفهوم گفتمان بحث می‌کند: «در نظر فوکو گفتمان‌ها اعمالی هستند که به طور سیستماتیک موضوعاتی را شکل می‌دهند که خود سخن می‌گویند» [۱۰، ص: ۱۱]. بر این اساس، گفتمان‌ها، سازنده موضوعات است: «گفتمان‌ها درباره موضوعات و هویت آن‌ها صحبت نمی‌کنند، بلکه سازنده موضوعات هستند و در فرایند این سازندگی مداخله خود را پنهان می‌کنند» [۱۰، ص: ۱۱]. او با تأکید بر نقطه نظر فوکو، از سویی گفتمان‌ها را بیانگر ویژگی‌های تاریخی می‌داند و از سوی دیگر چگونگی سخن، زمان و محدوده فکری آن‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد: «گفتمان بیانگر ویژگی‌ها و خصوصیات تاریخی چیزهای گفته شده و چیزهایی است که می‌تواند گفته یا درباره‌اش فکر شود، بلکه درباره این نیز هست که چه کسی، در چه زمانی و با چه آمریتی صحبت می‌کند» [۱۰، ص: ۱۱].

• ون‌دیک

ون‌دیک (۱۹۹۸) رابطه درهم‌تنیده میان گفتمان و مقوله ایدئولوژی را به شکلی خاص مورد تأیید قرار می‌دهد؛ او راهکار فهم ایدئولوژی [پنهان] را در خود مفهوم گفتمان جست‌وجو می‌کند: «اگر می‌خواهیم بدانیم که در واقع ایدئولوژی‌ها چگونه به نظر می‌رسند،

14 Louis Pierre Althusser

15 Eric Matthews

چگونه کار می‌کنند و چگونه ایجاد می‌شوند، تغییر کرده و بازتولید می‌شوند، باید از نزدیک جلوه‌های گفتمان آنها را بررسی کنیم» [۱۳]. بنابر نظر ون‌دیک، فهم ایدئولوژی در گرو رجوع به جلوه‌های گفتمان است؛ این جاست که تعریف زانوتو درباره ارتباط دو مفهوم گفتمان و ایدئولوژی واضح می‌شود: «گفتمان‌ها وسیله انتقال ایدئولوژی‌ها هستند؛ و ایدئولوژی‌ها بستری برای گفتمان‌ها» [۶]. از سوی دیگر او بر این نکته تأکید می‌کند که تنها کارکرد گفتمان، انتقال یا بیان ایدئولوژی نیست و ممکن است مقاصد دیگری نیز در کار باشد: «گفتمان‌ها فقط ایدئولوژی‌ها را منتقل یا بیان نمی‌کند» [۶]؛ همچنین معتقد است گرچه ایدئولوژی‌ها بیشتر به واسطه گفتار و نوشتار انتقال می‌یابند اما در این میان، نقش سایر نشانه‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد: «گرچه ایدئولوژی‌ها در درجه اول از طریق متن گفتاری یا نوشتاری منتقل می‌شوند، اما ممکن است از طریق دیگر پیام‌های نشانه‌شناسی مانند (عکس‌ها، تصاویر و فیلم‌ها) یا از طریق غیر متنی نیز منتقل شوند» [۶].

اهمیت مفهوم زبان

استورات فارتینگ، سال ۲۰۱۶، در کتاب خود با عنوان «طراحی پژوهش در برنامه ریزی شهری: راهنمای دانشجویان Research A Student's Guide Design in Urban Planning»^{۱۶} چگونگی مواجهه با اسناد را به سه شکل تفکیک می‌کند که عبارتند از: «گزاره‌های عینی حقیقت»- «تفسیر جهان گزاره‌ها»- «زبان گزاره‌ها». در این میان، ذهنیت این مقاله به سراغ ترکیبی از دومی و سومی می‌رود؛ یعنی تفسیر هم‌زمان جهان گزاره‌ها و رجوع به زبان گزاره‌ها. بر این اساس، هدف تحلیل گفتمان از منظر ون‌دیک عینیت می‌یابد؛ چرا که او هدف تحلیل گفتمان را مطالعه بافت در متن می‌داند [۱۴]؛ نکته‌ای که ایگلتون نیز در کتاب «درآمدی بر ایدئولوژی»^{۱۷} بر آن تأکید می‌کند: «شما نمی‌توانید با واریسی عبارتی جدا از زمینه گفتمانی آن تصمیم بگیرید» [۵، ص: ۳۴]. توجه پژوهش بر چگونگی استفاده از زبان در مطالعه اسناد، با تأکید فوکو بر آگاهی یافتن از «مادیت هراس‌آور زبان»^{۱۸} گره می‌خورد [۱۵]؛ آلیسون تِت^{۱۹} و جین وُلَف^{۲۰} در مقاله خود با عنوان «تحلیل گفتمان و طرح‌های شهری»^{۲۱} معتقدند مادیت هراس‌آور زبان خصلت طرح‌های شهری است: «طرح‌های شهری مجموعه‌ای از اعمال دانشی هستند که به شکلی فیزیکی یک واقعیت مادی می‌سازند» [۱۵].

اهمیت زبان در فرایند تولید گفتمان و نیز تحلیل مابعدی آن، نکته‌ای است که تیشتر و همکاران در مقاله «روش‌های تحلیل متن و گفتمان»^{۲۲} مورد تأکید قرار می‌دهند؛ «تحلیل گفتمان زبان را به مثابه یک فرم عمل اجتماعی می‌بیند» [۱۶]. تامسون (۱۹۸۴) با تأکید بر نقش زبان، معتقد است؛ که «معنی از طریق زبان به نفع افراد یا گروه‌های خاص بسیج می‌شود» [۴]. بر این اساس، تامسون در اصل، زبان را به معنی منتقل شده از آن مرتبط می‌داند. بنابراین با فراتر رفتن از ساختار صوری-ظاهری زبان، احتمال دستیابی به آن معنی منتقل شده افزایش می‌یابد. به همین دلیل رافائل سالکی (۱۹۹۵) بسط زبان را به نوعی با فراتر رفتن از ساختار گرامری پیوند می‌زند [۱۷].

16 Designing Social Research: The Logic of Anticipation

17 Ideology: an introduction

18 Awesome materiality of language

19 Alison Tett

20 Jeanne Wolfe

21 Discourse Analysis and City Plans

22 Methods of text and discourse analysis

بسط مفهوم گفتمان در شهرسازی

گسترش ایده گفتمان [با تعبیر فوکویی] به حوزه شهرسازی از طریق فعالیت‌های کریستین بویر^{۲۳} محقق شده است؛ او سعی داشت فهم فوکویی از فضا، تاریخ و قدرت را به واسطه پژوهش‌های تبارشناسانه در نظم شهرسازی پیش ببرد [۱۵]. از این رو تلاش او با جهت‌گیری روش‌شناسانه‌ی این پژوهش گره خورده؛ منابع داده پژوهش‌های بویر رجوع به نظریه‌پردازان کلیدی شهرسازی و تلاش برای فهم و تحلیل مفاهیم سه‌گانه فضا، گفتمان و قدرت فوکویی است؛ او به واسطه تحلیل گفته‌های روزمره شهرسازان و استخراج مضامین و تضادهای وحدت بخش موجود در آن‌ها، به ساختار بلاغی اسناد شهرسازی و ماهیت انتزاعی آن‌ها پی‌برد [۱۵]. او گفتمان شهرسازانه را مانند پرده‌ای برای نمایش ایدئولوژیک و عزمی هنجاری معرفی می‌کند که به انگیزه‌ها، تنش‌ها و درگیری‌های موجود در فرایند تولید متن التفاتی نشان نمی‌دهد [۱۸].

در پروژه فکری بویر رجوع به ذهنیت «نظریه‌پردازان کلیدی شهرسازی» به مثابه سوژه (جامعه‌ی درگیر) و تحلیل این منابع داده زمینه‌ای برای فهم دوسویه‌ی گفتمان را فراهم می‌کند؛ از یک سو ساختار صوری-ظاهری گفتمان و از سوی دیگر کنار زدن ظاهر هژمونیک گفتمان و فهم مناسبات ایدئولوژیک آن. به طریق مشابه این پژوهش با رجوع به اسناد طرح‌های شهری به مثابه ذهنیت سوژه یعنی همان اجتماع درگیر در فرایند تهیه-ارائه-تصویب طرح‌ها و مواجهه با این منابع داده به عنوان مادیت مستند، سعی دارد تا با توصیف ساختار صوری-ظاهری اسناد به تفسیری در ورای ظاهر هژمونیک گفتمان دست یابد که از یک سو فهم مناسبات ایدئولوژیک برساننده آن را ممکن می‌کند و از سوی دیگر زمینه فهمی تاریخ‌مند-زمان‌مند را به وجود می‌آورد.

روش پژوهش

ارکان اصلی روند انجام تحلیل گفتمان

ارائه توصیف از ساختارهای صوری گفتمان و نیز تفسیر مناسبات ایدئولوژیک آن، دو گونه مواجهه با مفهوم گفتمان را پیش‌رو قرار می‌دهد؛ گونه اول که «تنها به خود زبان و عناصر نحوی آن» توجه می‌کند و گونه دوم به «بافت موقعیتی، برساننده زبان» [۱۰، ص: ۸]. بنابراین تحلیل گفتمان «چگونگی تبلور و شکل‌گیری معنا و پیام‌های زبانی را در ارتباط با عوامل درون‌زبانی (زمینه متن)^{۲۴} و عوامل برون‌زبانی (زمینه اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی)^{۲۵} بررسی می‌کند» [۱۸، ص: ۱۰]. کرسول این مواجهه را تحت عنوان تحلیل ساختاری و بافتاری صورت‌بندی می‌کند؛ که اولی به مطالعه زبان و عوامل صرفی و نحوی آن (گره خورده با توصیف) می‌پردازد و دومی به زمینه و بافت برساننده‌ی زبان (گره خورده با تفسیر) توجه می‌کند [۲۰]. ون‌دیک^{۲۶} (۱۹۹۳) نیز معتقد است، تحلیل گفتمان بدون در نظر گرفتن ترکیبی از «تحلیل متنی»^{۲۷} مفصل به همراه رجوع به «زمینه‌های اجتماعی»^{۲۸}، قادر نخواهد بود، تا رابطه‌ای میان گفتمان‌ها و ساختارهای بزرگ اجتماعی را بررسی کند [۱۴].

نکته مهم در رابطه با چگونگی انجام تحلیل‌ها، ارتباط دوسویه آن‌هاست؛ که شاید به نوعی در این جمله از ون‌دیک قابل مشاهده باشد که هدف تحلیل گفتمان را، مطالعه متن در بافت می‌داند [۱۴]. نکته‌ای که به شکلی دیگر در مقاله «کشف مفهوم "بهبود" در استفاد

23Cristian Boyer

24Co-text

25 Context of situation

26 Van Dijk

27 Textual analyses

28 Social contexts

زبانی برنامه‌ریزان حمل و نقل: یک تحلیل انتقادی گفتمان برای نشان دادن گرایش به خودرومحوری در سیاست‌گذاری حمل و نقل»^{۲۹} به آن تأکید می‌شود؛ شرح نظری-توصیفی از ساختارها [صوری]، در سطوح مختلف گفتمانی [نوشتاری و گفتاری]، زمینه‌ای برای فهم روابط بین متون و کنش‌ها را با ساختارهای مربوط به بافت‌های شناختی، اجتماعی، فرهنگی و تاریخی آنها فراهم آورد [۱۶]. آن چه با عنوان تحلیل انتقادی گفتمان در عنوان مقاله جنسین و همکاران به چشم می‌خورد، گونه‌ای خاص از تحلیل گفتمان است که به واسطه تلاش‌های نورمن فرکلایف محقق شده؛ به نظر او، تحلیل گفتمانی که گرایش انتقادی داشته باشد می‌تواند آگاهی به ایدئولوژی و نقد به آن را نظام‌مند سازد [۱۰، ص: ۲۵].

بر اساس دوگانه حاصل شده از نگاه فرکلایف-وندیک-کرسول، تحت قالب عوامل درون‌زبانی (زمینه متن) - تحلیل متنی-تحلیل ساختاری و عوامل برون‌زبانی (زمینه اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی) - زمینه‌های اجتماعی-تحلیل بافتاری، دو عبارت گرایش‌های طراحانه-فضا‌سازانه و ابعاد ایدئولوژیک طرح‌ها، در ذهنیت این پژوهش تعیین می‌یابد. به عبارت دیگر در ذهنیت این پژوهش، دو شکل عوامل درون‌زبانی (زمینه متن) - تحلیل ساختاری به واسطه عبارت گرایش‌های طراحانه-فضا‌سازانه عینیت می‌یابد و دو شکل عوامل برون‌زبانی (زمینه اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی) - تحلیل بافتاری به مدد ابعاد ایدئولوژیک طرح‌ها فهم می‌شود. اما نکته مهم این است که این تفکیک صوری-ظاهری به منزله وجود شکاف یا نوعی سلسله مراتب در روند تحلیل نیست؛ و تنها اقدامی برای آسانی روند تحلیل است.

گرایش‌های طراحانه-فضا‌سازانه طرح‌های شهری (توصیف: عوامل درون‌زبانی-تحلیل ساختاری)

منظور از عبارت «گرایش‌های طراحانه-فضا‌سازانه» با شکل معمول و متداول از فهم فضا در نظام دانشی نظم تعریف‌پذیر است؛ مفهومی که با کلیدواژه فضایی^{۳۰} شناخته و معرفی می‌شود. چنین نگاهی به مفهوم فضا، با تعاریف و مناسبات کارتزینی از این مفهوم گره می‌خورد که در دستگاه معرفتی دکارتی با ویژگی‌هایی عجین است که به ترتیب عبارتند از: «شکل اشیاء ممتد»، «کمیت یا مقدار و عدد آن‌ها»، «مکانی که در آن هستند» و «زمانی که مقیاس دوام آنهاست» [۲۱، ص: ۳۷]. به این ترتیب فضا در نگاه کارتزینی، هم دارای شکل است و هم عددپذیر؛ هم با در ظرف مکان و زمان قابل تعریف. بر این اساس فضا در فهم کارتزینی، به مقوله مکان گره می‌خورد؛ به عبارتی دیگر، فضا، مکان‌مند می‌شود. تعریف مکان‌مند از فضا، مجالی برای بروز و تجلی همه‌جانبه واژه فضایی و مشتقات آن در قالب عبارت‌هایی مانند «برنامه‌ریزی فضایی»^{۳۱}-«فضاهای برنامه‌ریزی شده»^{۳۲} [۲۲]، «طراحی و برنامه‌ریزی فضایی»^{۳۳} [۲۳] به وجود می‌آورد. از همین روست که مواجهه معمول نظام دانشی رشته شهرسازی با مفهوم فضا در شکل و قامت عبارت گرایش‌های طراحانه-فضا‌سازانه تجلی یافته؛ که بیش‌تر نگاهی مکان‌مند به «محدوده‌ای جغرافیایی» را پیش‌رو قرار می‌دهد.

ابعاد ایدئولوژیک طرح‌های شهری (تبیین: عوامل برون‌زبانی-تحلیل بافتاری)

از منظر آلتوسری، ایدئولوژی هستی مادی دارد و با کنش‌های مادی سوژه گره می‌خورد؛ بر این اساس با تحلیل کنش مادی سوژه، می‌توان به ایده‌های آلوده (آغشته) به ایدئولوژی او پی‌برد [۸]: ایدئولوژی هستی مادی دارد و هر ایدئولوژی در یک «ساز و برگ» [۱۸] یا اعمال این ساز و برگ هستی دارد [۱۴، ص: ۶۱-۶۲]. بر این اساس سوژه (یا همان جامعه درگیر مدنظر پژوهش) از منظر آلتوسر

29 Finding "Improvement" in the Language Transportation Planners Use: A Critical Discourse Analysis to Illustrate an Automobile-Centric Bias in Transportation Policymaking

30 spatial

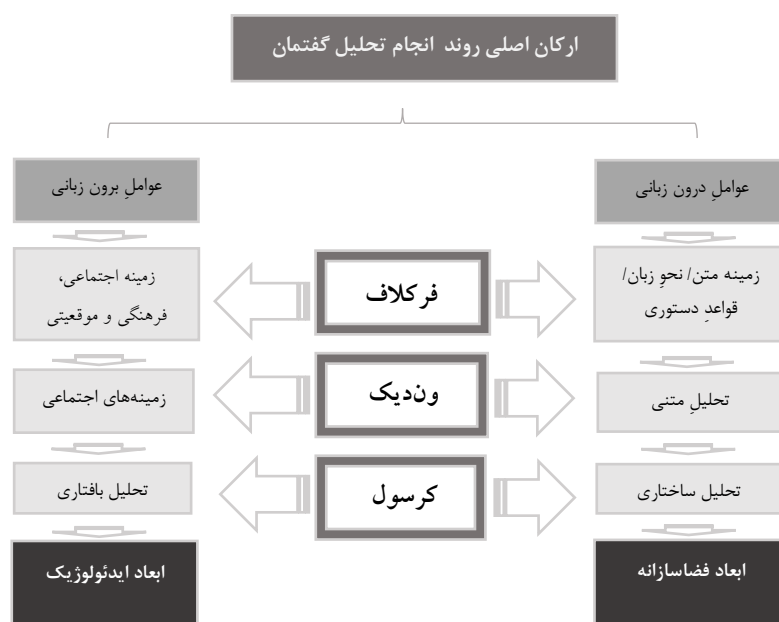
31 Spatial Planning

32 Planning Spaces

33 Spatial Planning and Design

در انقیاد ساختار ایدئولوژیک قرار دارد (مرادی، ۱۳۹۸). اما این تنها یک طرف ماجراست؛ چرا که به نظر آلتوسر ایدئولوژی رابطه تخیلی افراد را با شرایط واقعی هستی‌شان بازنمایی می‌کند [۱۴، ص: ۵۷].

به این معنا سوژه (یا همان جامعه درگیر در تهیه طرح‌ها) همواره درگیر رابطه‌ای وهم‌گون و خیالی است؛ چرا که سوژه خود را در آینه ایدئولوژی مسلط، بازتابی از تصویر منسجم و مستقل می‌بیند؛ در حالی که این تصویر بازنمایی شده تنها تصویری خیالی است که سوژه شیوه‌های عمل به لحاظ اجتماعی مورد تأیید را برمی‌گزیند [۱۴، ص: ۲۲۰]. آلتوسر دقیقاً به واسطه همین دو دلیل معتقد است که کارکرد اصلی ایدئولوژی سوژه‌سازی است؛ سوژه‌ای که هم‌زمان توهمی از اختیار و استقلال را در پیروی ساختار ایدئولوژیک تجربه می‌کند [۱۴، ص: ۵۷].



نمودار شماره ۱- ارکان اصلی روند انجام تحلیل گفتمان؛ منبع پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد نویسنده‌ی دوم

بحث و یافته‌ها

محدوده اراضی عباس‌آباد

محدوده اراضی عباس‌آباد از زمان تهیه طرح جامع تهران در دهه ۴۰ مورد توجه دست‌اندرکاران توسعه شهری قرار دارد. در طرح فرمانفرمائی‌ان- گروئن به عنوان یکی از مناطق ده‌گانه تهران بر محور شرقی-غربی و یکی از ده جامعه بزرگ شهری تعیین شد. یکسال پس از تهیه طرح جامع، در سال ۱۳۴۸ طرح تفصیلی برای این محدوده تهیه و مقرر شد که به منظور اجرای طرح جامع تهران، این محدوده به عنوان نمونه‌ای برای آراستگی و عمران سایر مناطق ده‌گانه در نظر گرفته شود. در این طرح «ایجاد یک مرکز شهری مدرن» که «بیان‌گر شکوه و عظمت ایران در آن روزگار» باشد، در مرکز توجه تهیه‌کنندگان طرح قرار دارد [۲۴]. این انگاره‌ها پس از انقلاب به انگاره «مرکزیت اجتماعی-فرهنگی پایتخت» تبدیل شد [۲۵].

با وجود بودن سوبه‌های فضا‌سازانه و ایدئولوژیک متفاوت طرح‌های ارائه شده برای اراضی عباس‌آباد در هر دو بازه پیش و پس از انقلاب اسلامی، نکات مشترکی وجود دارد که مهمترین آن فراوانی عددی و ماهیت متناقض طرح‌هاست. به عبارت دیگر، تعدد طرح‌های

ارائه شده در دو بازه زمانی مدنظر مقاله، در کنار تناقض‌ها و تضادهای موجود در این طرح‌ها در نسبت با یکدیگر، عامل اصلی انتخاب موقعیت موردنظر بوده است. تضادهایی که به واسطه تعدد طرح‌های ارائه شده برای اراضی عباس‌آباد پیش و پس از انقلاب اسلامی ملموس‌تر می‌شود. این موضوع در قالب هر دو بعد فضا‌سازانه و ایدئولوژیک این طرح‌ها به چشم می‌خورد. بر این اساس انتخاب اراضی عباس‌آباد و طرح‌های شهری ارائه شده برای آن به روش «نمونه‌گیری تعمدی یا قضاوت‌جویانه» صورت گرفته، به شکلی که «بیشترین تضاد» را بازنمایی کند.

طرح‌های شهری اراضی عباس‌آباد پیش از انقلاب

همزمان با اوج‌گیری تفکر مدرن در حوزه معماری و شهرسازی و تفکرات جانبی آن از جمله جنبش ساختارگرایی و سازوکار شهری، معماران مشهوری مانند لویی‌کان و کنزو تانگه (به عنوان نمایندگان این دو جنبش) برای ارائه طرح و ایده‌پردازی به ایران آمدند و باعث به وجود آمدن تفکر جدیدی در مسیر توسعه محدوده عباس‌آباد شدند. به همین دلیل از گروه‌های مختلفی برای ارائه طرح دعوت به همکاری شد؛ از معماران سرشناس و آوانگارد مدرنیست (لویی کان و کنزو تانگه) تا شرکت‌های بزرگ بین‌المللی (لوالین دیویس). هر کدام از این گروه‌ها به تهیه طرح مشغول شدند، اما زمان ارائه طرح و فرایند انتخاب میان آن‌ها با چالش‌ها و پیچیدگی‌های فراوانی روبه‌رو شد؛ چالش‌های به وجود آمده بیشتر ریشه در اختلاف نظر و عقیده میان تصمیم‌گیرندگان اصلی دارد. دو گروهی که بر سر ایده‌های کلی و چگونگی تحقق بخشیدن به آن‌ها، از زمان شروع فرایند تهیه طرح شهرستان، اختلافاتی جدی داشتند. اختلافاتی که منجر به بروز یک فضای دو قطبی میانی تصمیم‌گیرندگان اصلی شد و نشان از اختلافات بنیادین در رأس هرم قدرت داشت؛ در یک سوی دو قطبی شاه و شهرداری تهران قرار داشت و در سوی دیگر ملکه و معماران آوانگارد دربار [۲۶]. طرز تلقی این دو گروه از طرح‌های ارائه شده بسیار متفاوت بود؛ ملکه و معماران آوانگارد دربار بیشتر به سوی طرح ارائه شده لویی کان^{۳۴} و کنزو تانگه^{۳۵} متمایل بودند، اما شاه و شهردار ایده‌های ذهنی خود را در طرح ارائه شده لوالین دیویس (یک تیم متشکل از ۵۰ معمار، معمار منظر و برنامه‌ریز و طراح زیر نظر مستقیم ژاکلین تی. رابرتسون^{۳۶}) متبلور می‌دیدند. «شهرستان نمادی از حاکمیت توتالیتر و ابعاد وسیع نوسازی بود» [۲۶]؛ این در حالی است که برنامه‌ریزی شهری در ایران قبل از انقلاب، بیشتر به مثابه یک اقدام تکنوکراتی غیر سیاسی طرح می‌شود [۲۷، ص: ۲۰۵].

چشم‌انداز اولیه به مثابه‌ی بعد ایدئولوژیک طرح‌ها

۱. یک مرکز مدرن شهری به عنوان نماد حرکت جامعه ایرانی به سوی مدرنیته [۲۸]
۲. یک پلازای مرکزی به عنوان نماد فرهنگی - هویتی تاریخ شاهنشاهی ۲۵۰۰ ساله ایران [۲۶]
۳. مجموعه‌ای تشریفاتی برای نمایش قدرت و شکوه به مخاطبان داخلی و خارجی [۲۶]

گونه اول: طرح پیشنهادی لویی کان - کنزو تانگه

طرح پیشنهادی لویی کان

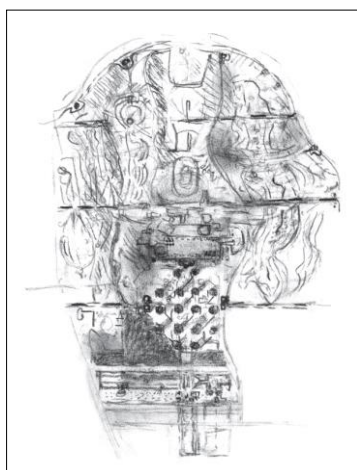
مهمترین ویژگی طرح پیشنهادی کان، توجه به بستر توپوگرافیک اراضی عباس‌آباد است؛ نکته‌ای که در طرح تهیه شده از سوی شهرداری وقت تهران به عنوان اولین طرح پیشنهادی نادیده گرفته شده بود [۲۶]. اهمیت این موضوع در طرح پیشنهادی کان به حدی

34 Louis Kahn
35 Kenzō Tange
36 Jaquelin T. Robertson

است که در عمل پس از محدوده بلوک‌های مثلثی شکل حجم دیگری قرار نگرفته؛ چرا که در ذهنیت این طرح پیشنهادی، بستر توپوگرافیک بکر و دست‌نخورده مانند منظرگاه محدوده بلوک‌های مثلثی شکل به عنوان کانون اجتماعی-مدنی طرح عمل می‌نمود.

• ابعاد طراحانه-فضاسازانه

۱. یک میدان مستطیل شکل با جهت‌گیری شمالی-جنوبی در بخش مرکزی محدوده
۲. فضایی بیضی شکل با فاصله‌ای اندک از میدان مستطیل شکل مرکزی
۳. محدوده بلوک‌ها با چیش مثلثی شکل به عنوان کانون اجتماعی-مدنی طرح (کانون اجتماعی-مدنی الماس)



شکل شماره ۲- طرح پیشنهادی لویی کان

Louis I. Kahn Collection, University of Pennsylvania and the Pennsylvania Historical and Museum Commission.

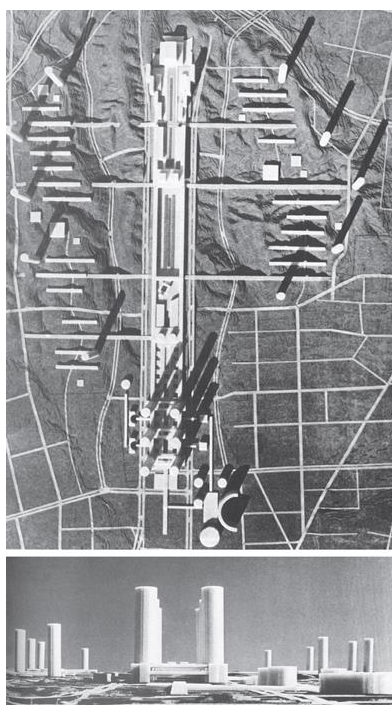
• طرح پیشنهادی کنزو تانگه

از سوی دیگر و هم‌زمان با طرح پیشنهادی کان، یکی دیگر از معماران آوانگارد زمان، به نام کنزو تانگه، به شکلی «کاملاً مجزا» پروژه شهستان را پیش می‌برد. ذهنیت طرح پیشنهادی تانگه به طرز چشمگیری متفاوت از نمونه ارائه شده از جانب کان بود [۲۶]. عبارت «کاملاً مجزا» به همین دلیل مورد استفاده قرار گرفته است. شاید بتوان از طریق تحلیل ذهنیت طرح پیشنهادی تانگه به کمک واکاوی عناصر و اجزای آن به دلیل/دلایل این تفاوت پی برد. از آن جایی که تانگه یکی از بنیانگذاران و اعضای اصلی گروه سازوکار شهری است [۲۹، ص: ۱۵۱]؛ رگه‌هایی از ایده‌های بنیادین این جنبش شهرسازانه به چشم می‌خورد. از جمله اصول و مبانی اصلی این جنبش، اعتقاد به تفکیک طرح به دو بخش اصلی و فرعی است؛ در این نگاه، ارائه طرح شهری برای بخش اصلی توسط طراح-برنامه‌ریز انجام شده و بخش از طریق ارائه راهنما، چارچوب و ضابطه هدایت و کنترل می‌شود [۲۹، ص: ۱۵۱].



شکل شماره ۳- طرح جامع کنزو تانگه برای خلیج توکیو؛ منبع: سایت اتوود؛

<http://etoood.com/NewsShow.aspx?nw=1828>



شکل شماره ۴- طرح پیشنهادی تانگه؛

Kenzo Tange, 'Abbas bad New City Center', The Japan Architect 51.8-9 (1976): 105

• ابعاد طراحانه-فضاسازانه

۱. برج‌های بلندمرتبه [۳۰]
۲. تأکید بر فضای خطی و نقاط گرهگاهی

طرح پیشنهادی لویی کان-کنزو تانگه

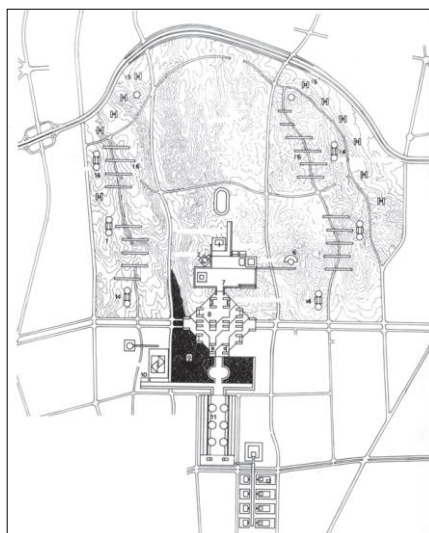
از آن جایی که در ابتدا لویی کان و کنزو تانگه، به شکلی مجزا از یکدیگر روی پروژه شهرستان متمرکز بودند؛ به همین دلیل طرح‌های پیشنهادی از طرف آن‌ها ذهنیت‌های به شدت متفاوتی دارد. با وجود وجود تفاوت‌های صوری و محتوایی میان این دو طرح، آن چه در فرایند تهیه طرح از منظر بعد رویه‌ای قابل مشاهده است. ظاهراً پس از مرگ غیرمنتظره کان، بر اساس یک توافق میان تصمیم‌گیرندگان اصلی طرح و کنزو تانگه، تهیه و ارائه یک طرح مشترک بر عهده این معمار ژاپنی قرار گرفت [۲۶]. بر اساس این

توافق‌نامه، طرح ارائه شده سنتزی از ایده‌های موجود در دو طرح پیشنهادی مجزای این دو معمار آوانگارد بود؛ سنتزی که در آن از سویی کانون اجتماعی-مدنی الماس به عنوان یکی از ایده‌های طراحانه-فضاسازانه طرح کان، به چشم می‌خورد و در سوی دیگر برج‌های بلندمرتبه‌ی تانگه گرچه با ارتفاع کمتر اما کماکان حضوری مسلط در طرح پیشنهادی مشترک دارند [۲۶]. بر این اساس آن چه از سنتز این دو طرح به وجود آمده به نوعی ترکیب صوری-ظاهری ایده‌های مرکزی طراحانه-فضاسازانه‌ی موجود در هر دو طرح مجزای این دو معمار است؛ گرچه توجه به بستر توپوگرافیک بکر و دست‌نخورده عباس‌آباد به عنوان مهمترین ویژگی ذهنیت طرح لویی کان به شکل محسوسی از طرح پیشنهادی مشترک کنار گذاشته شده است. بنابراین دو ایده طراحانه-فضاسازانه محوری در طرح مشترک ارائه شده، عبارتند از:

۱. طرح پیشنهادی لویی کان؛ کانون اجتماعی-مدنی الماس

۲. طرح پیشنهادی کنزو تانگه؛ برج‌های بلندمرتبه

ساخت و پرداخت فضایی یک کانون اجتماعی-مدنی، ایده مرکزی طرح پیشنهادی کان از منظری طراحانه-فضاسازانه بود؛ که از اسکیس‌های اولیه تا طرح نهایی وجود دارد. مجموعه از بلوک‌های به‌ظاهر جدا و منفرد که به وسیله عناصر ارتباط دهنده، آرایشی مثالی شکل به خود گرفته‌اند. این مجموعه هم به عنوان نقطه مهم و مرکزی طرح کان به عنوان یک کانون اجتماعی-مدنی اهمیت دارد و از سوی دیگر نقطه پایان طرح ترسیمی اوست؛ چراکه ذهنیت طرح پیشنهادی کان به شکلی آگاهانه به نفع ویژگی‌های منحصر به فرد توپولوژیک و بستر بکر و دست‌نخورده آن، عقب‌نشینی می‌کند. در نتیجه بستر توپولوژیک موقعیت عباس‌آباد مانند یک «چشم‌انداز طبیعی» برای «کانون اجتماعی-مدنی الماس» به حساب می‌آید [۲۶]. نکته‌ای به کلی در طرح‌های پیشنهادی بعدی و به ویژه طرح منتخب، از آن چشم پوشیده شده است. عناصر برجسته کارکردی شکل دهنده به طرح مشترک پیشنهادی به ترتیب عبارتند از؛ پلازا^{۳۷}، مرکز مدنی (اجتماعی)^{۳۸}، هتل و مرکز کنفرانس‌های بین‌المللی^{۳۹}، ورودی مرکزی^{۴۰}، مرکز مالی-اداری^{۴۱}.



شکل شماره ۵- طرح پیشنهادی مشترک تانگه و کان

Kenzo Tange, 'Abbas Abad New City Center', The Japan Architect 51.8-9 (1976): 109.

37 Plaza

38 Civic center

39 Hotel or international conference center

40 Gateway center

41 Financial center

گونه دوم: طرح پیشنهادی شرکت بین‌المللی لوالین-دیویس

همزمان با ارائه طرح مشترک کان-تانگه (۱۳۵۳ هجری شمسی-۱۹۷۴ میلادی) در سویی دیگر شرکت بین‌المللی لوالین-دیویس طرح اولیه‌ای خود را ارائه کرد؛ طرحی که از همان ابتدا به شدت مورد توجه تصمیم‌گیرندگان اصلی پروژه به ویژه شخص شاه قرار گرفت. هجده ماه پس از ارائه طرح اولیه، طرح نهایی آماده شد و سرانجام در سال ۱۳۵۵ هجری شمسی-۱۹۷۶ میلادی، در دو جلد (مجموعاً ۲۷۰ صفحه‌ای) با چاپ ۱۰۰۰ نسخه در اختیار تصمیم‌گیرندگان و البته خوانندگان عمومی قرار گرفت [۲۶]. تفاوت مهمی که در ظاهر به چشم می‌خورد، تهیه و ارائه طرح توسط یک تیم تخصصی است؛ بنابراین برخلاف گونه پیشین طرح‌ها، به جای رجوع مستقیم به تک‌چهره‌های آوانگارد حوزه معماری-شهرسازی، یک تیم تخصصی ۵۰ نفره متشکل از تخصص‌های مختلف معماری، معماری منظر، برنامه‌ریزی شهری به سرپرستی ژاکلین تی. رابرتسون^{۴۲}، هدایت و تهیه پروژه را به عهده گرفت [۲۶]. شرح خدمات این طرح پیشنهادی بر اساس توافق‌نامه، عبارتند از [۲۸]:

۱. طرح جامع سنتی^{۴۳} (عقلانی)
۲. مدل‌ها و نقشه‌های تفصیلی فضا‌های عمومی^{۴۴}
۳. طراحی شماتیک (مدل‌سازی) ۱۵ بنای اصلی دولتی^{۴۵}
۴. هدایت و کنترل طراحی دیگر بناها^{۴۶}

چنین سازوکاری الگوی نوعی خاص از شهرسازی است که از طرح‌های شهری به عنوان اهرم‌هایی برای پیاده‌سازی اندیشه‌ها و بنیان‌های ایدئولوژیک بهره می‌گیرد؛ نمونه‌های آن از طرح‌های ناپلئون سوم به همراه بازوی اجرایی طرح یعنی هوسمان تا طرح اسپیر برای برلین و کمی آن سو تر طرح کاخ شوروی، فارغ از یافتن جنبه اجرایی، در ساحتی خیالی عینیت می‌یابند [۲۶].



• ابعاد طراحانه-فضاسازانه

۱. هندسه مسلط زوایای قائم با آرایش مستطیل شکل
۲. تأکید بر ساختار محوری
۳. تأکید بر فرم‌های کلان مقیاس

شکل شماره ۶- پلان طرح پیشنهادی لوالین-دیویس؛

Llewellyn-Davies International, Shahestan (1976), 2:2

42 Jaquelin T Robertson

43 A traditional master plan

44 Models and detailed drawings of the public spaces

45 The schematic design of about 15 major government buildings

46 Design controls for other buildings

بولوار اصلی طرح پیشنهادی لوالین-دیویس

از فهم باروکی تا عینیت مفهوم در سیما و منظر شهری پاریس قرن نوزدهم، بولوار بدل به یک عنصر طراحی-فضاسازانه می‌شود، که همواره در کنار کارکرد اصلی آن که تسهیل دسترسی است، معنایی ضمنی نیز دربردارد. «بولوارهای تشریفاتی باروکی» [۳۱] در کنار «مقصود سیاسی ناپلئون سوم از بولوارکشی‌های پاریس قرن نوزدهم برای کنترل آشوب‌های احتمالی» نشان از این معنای ضمنی در کاربرد این عنصر شهری دارد. بولوارهای بی‌انتهای که افق دید را تا بی‌نهایت امتداد می‌داد، حقیقت طرح‌های شهری باروکی بود [۳۱]. این اقدام که تلاشی برای به نمایش گذاشتن قدرت اشرافیت باروکی بود از بولوار به عنوان عنصر عینیت‌بخش به این ذهنیت پنهان استفاده می‌نمود. از سوی دیگر جلوگیری از آشوب‌های احتمالی و افزایش نظارت و کنترل اجتماعی، هدف ضمنی ذهنیت بولوارکشی‌های ناپلئون سوم به مدد عنصری عینیت‌بخش بود، که بولوارها به خوبی این نقش را به عهده گرفتند. بی‌دلیل نیست که هیتلر با نیم‌نگاهی به بولوارکشی‌های پاریس قرن نوزدهمی و به ویژه محور شانزلیزه، بر نقش محوری بولوار مرکزی در طرح اسپیر، تأکید می‌کند [۲۶]. از این رو شاید نقش بولوار مرکزی و تأکید بر آن در طرح پیشنهادی لوالین-دیویس برای پروژه شهستان، تحت تأثیر نمونه‌های موجود توجیه‌پذیر باشد.



شکل شماره ۷- طرح لوالین- دیویس؛

Llewelyn-Davies International, Shahestan (1976), 2:82.



شکل شماره ۸- محور شانزلیزه پاریس



شکل شماره ۹- طرح برلین؛

Albert Speer, Architecture 1932–1942 (Bruxelles: Archives d'architecture moderne, 1985), 48.

۱. «محوری ممتد و پوشیده از درخت
۲. سبک حاکم نئوکلاسیک در محور اصلی این مجموعه
۳. منتهی شدن به طاق‌نمای ورودی میدان شاه و ملت
۴. کاربری‌های جانبی محور اصلی: وزارتخانه‌های دولتی، گالری‌های خرید، هتل، برج‌های مسکونی لاکچری
۵. دو دفتر مرکزی بانک در ابتدای مسیر ورودی همچون دروازه ورودی
۶. مسیر اصلی تشریفات: مسیر اصلی رژه‌های نظامی
۷. قابلیت بسته شدن محور اصلی در مواقع ضروری و در شرایط امکان آشوب‌های احتمالی» [۲۸].



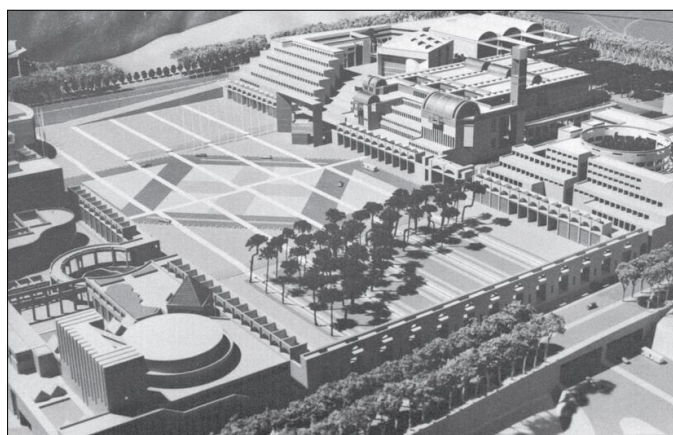
شکل شماره ۱۰- طرح سه بعدی طرح لوالین- دیویس؛

Llewelyn-Davies International, Shahestan (1976), 2:2.

میدان شاه و ملت در طرح پیشنهادی لوالین-دیویس

بولوار مرکزی در طرح شهستان به یک میدان بزرگ مرکزی منتهی می‌شود؛ که بنا بود در حکم کانون فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، تشریفاتی و تجاری تهران عمل کند [۲۶]. فضایی که مشابه بولوار مرکزی طرح تجلی انگاره "over-management" [۳۲، ص: ۱۳] کرموناست؛ میزان حساسیت و توجه در فرایند شکل‌دهی به آن دلیلی برای این مدعاست که شاید بتوان در تعریف ابتدایی از این عنصر عینیت‌بخش در گزارش طرح پیشنهادی لوالین-دیویس مشاهده نمود. میدان در حکم عنصری طراحانه-فضاسازانه، به بعد ایدئولوژیک ذهنیت کلی پروژه عینیت می‌بخشد؛ این پلازای شهری بنا دارد تا از طریق فراخواندن گذشته به لحظه حال، نمایشی از شکوه و قدرت پادشاهی ۲۵۰۰ ساله ایران را مجسم کند؛ شکوهی که باید از طریق ساخت و پرداخت فضایی مناسب از آن چه دیگری پنداشته می‌شود، بزرگتر باشد.

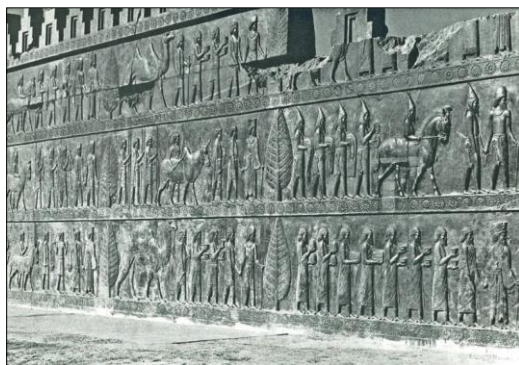
«پلازایی طاق‌دار (ستون‌دار) با الهام از میدان صفوی و بزرگتر از میدان سرخ مسکو» [۲۶]



شکل شماره ۱۱- طرح سه بعدی میدان شاه و ملت در طرح پیشنهادی لوالین-دیویس؛

Llewellyn-Davies International, Shahestan (1976), 2:91.

از میان کاربری‌ها بنای وزارت خارجه و طاق‌نمای ورودی به عنوان بنای یادبود، از منظری طراحانه-فضاسازانه مانند بخشی از قاب تاریخ کوچکتر، بازتابی است از ذهنیت طرح که ارائه تحلیلی تاریخ‌مند-زمان‌مند را به عنوان بخشی از قاب تاریخ بزرگتر، ممکن می‌کند. دلیل انتخاب این دو اُبژه به واسطه پیوندی است که میان این دو برقرار می‌شود و از طریق آن ذهنیت طرح، در ساحتی خیالی و جدا از امر واقع، شکوه و عظمت موهوم ایدئولوژیک خود را محقق می‌کند؛ رؤیای بازتولید فضایی شکوه و عظمت شاهنشاهی ۲۵۰۰ ساله ایران و امتداد آن در لحظه حال، از طریق دو رکن اساسی در میدان شاه و ملت که پازل این توهم را تکمیل می‌کند؛ بنای وزارت خارجه در کنار طاق‌نمای یادبود [۲۸]. از آن جایی که میدان شاه و ملت بعدی تشریفاتی داشت و قرار بود در آن رژه نظامی اتفاق بیفتد؛ باید به موقعیت قرارگیری طاق‌نمای یادبود دقت زیادی می‌شد؛ به همین طاق‌نما به شکلی قاهرانه بر کل فضای پلازا مسلط است. از سوی دیگر بنای وزارت خارجه درست در بخش جنوبی و روبه‌روی طاق‌نمای یادبود قرار می‌گیرد؛ تا در هنگام تشریفات نظامی شاهد اقتدار شاهنشاهی ۲۵۰۰ ساله ایران و امتداد آن در لحظه حال باشند؛ ایده‌ای که پیش‌تر در ویرانه‌های پرسپولیس در ساحتی خیالی جامعه عمل پوشید. اقدامی که به شکلی مشابه در طرح شهستان و از طریق بازتولید فضایی امر گذشته و به حضور طلبیدن آن در لحظه حال، به دنبال تحقق بخشیدن به رؤیای پایه‌ای ذهنیت طرح شستان را شکل می‌داد.



شکل شماره ۱۲- نگاره‌های موجود در دیوارنگاری‌های تخت جمشید؛

Gerald Walser, Die Völkerschaften auf den Reliefs von Persepolis (Berlin, 1966)

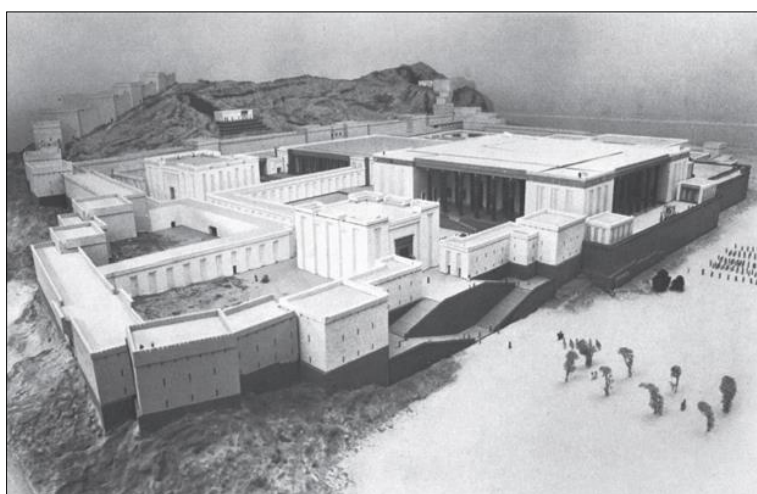
لویی کان معتقد بود مجموعه‌ی پرسپولیس، «اثری بدون آرک‌تایپ» است [۳۴]. اما این گزاره به چه معناست؟ فهم این گزاره به دو پرسش مهم و بنیادین گره می‌خورد؛ آیا بقایای مجموعه پرسپولیس، می‌تواند کلیت حاکم بر ساخت و پرداخت را بازنمایی کند؟ و در گام بعد، تصاویر ارائه شده از این روند و محتوا تا چه میزان قابل اعتماد و اعتناست؟ به تعبیری دیگر می‌توان گفت:

آیا مجموعه‌ای از ستون‌ها، سرستون‌ها و درگاه‌ها (بقایا) توانایی بازنمایی روند و محتوای شکل‌گیری فضای پرسپولیس را دارد؟ [۲۶]

آیا بناهای مکعب شکل مدرن توانایی بازنمایی سیلوئت مجموعه‌ی پرسپولیس را دارد؟ [۲۶]

پاسخ کان به این دو پرسش، با تردید همراه بود؛ تردید او از آن جا ریشه می‌گرفت که تا چه میزان می‌توان به تصاویر موهوم و

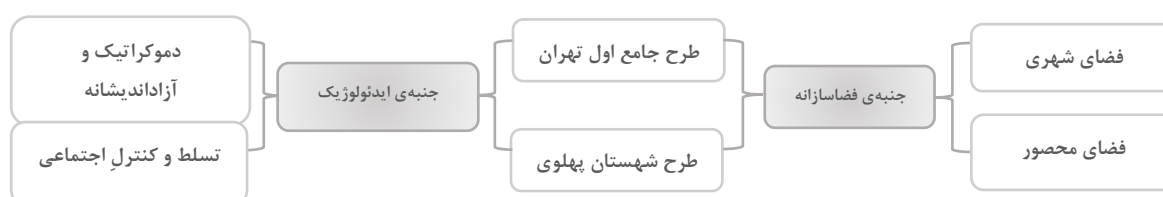
خیالی ارائه شده از مجموعه پرسپولیس در شکل و قامت حجم‌های عظیم سفید با طعم مدرنیستی اطمینان کرد؟ [۳۴]



شکل شماره ۱۳- تصویر سه بعدی شده از تخت جمشید؛

Friederich Krefter, Persepolis Rekonstruktionen (Berlin: Gebr. Mann, 1971)

در طرح جامع اول جنبه فضا‌مند طرح، به شکل مفهوم «فضای شهری»^{۴۷} عینیت می‌یابد؛ در حالی که در طرح شهستان مفهوم «فضای محصور»^{۴۸} بازنماینده فضا‌مندی طرح است [۲۶]. منظور از فضای شهری بر پایه مفاهیم دموکراتیک و آزاداندیشانه شکل گرفته و حیات حداکثری در این فضاها را بازنمایی می‌کنند؛ مفهوم فضای محصور در تقابل با این تعریف قرار می‌گیرد؛ چرا که بیشتر ناظر بر تولید و شکل‌دهی به فضاهایی است که تسلط و کنترل اجتماعی را طلب می‌کنند. طرح جامع اول تهران بازتاب‌دهنده ایده‌های دموکراتیک و آزاداندیشانه اواخر دهه ۴۰ است؛ در حالی که طرح شهستان، بر مبنای نظام فکری اقتدارطلب و توتالیته نیمه اول دهه ۵۰ ایده‌های کنترل سیاسی - اجتماعی را از طریق تغییر و تحول ساختار شهری بازنمایی می‌کند. چنان که تمایل به ایجاد مسیرهای نظامی در طرح هوسمان برای پاریس قرن نوزدهم در تقابل با ایده‌های آزاداندیشانه و دموکراتیک و برای ایجاد یک نظم مسلط سیاسی - اجتماعی شکل گرفت [۲۶]. اما برخلاف پیش‌بینی‌های تصمیم‌گیران آن (ناپلئون سوم و هوسمان)، از وقوع انقلاب شهری جلوگیری نکرد؛ همان‌گونه که اقدامات تخیلی - نمادین شهستان نیز، نتوانست از وقوع انقلاب جلوگیری کند. دلیل کاملاً واضح است؛ با انجام اقداماتی در ساحت خیالی - نمادین و بدون درک وضعیت موجود نمی‌توان به تأثیرگذاری بر واقعیت [روزمره] امیدوار بود.



نمودار شماره ۳ - تحلیلی از جنبه‌ی طراحی فضا‌سازانه و ایدئولوژیک طرح جامع اول تهران و طرح شهستان پهلوی؛ منبع: پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد نویسنده‌ی دوم

طرح‌های شهری اراضی عباس‌آباد پس از انقلاب

در سال‌های پس از انقلاب به دلیل وجود مشغولیت‌های ملی کلان مانند استقرار و تثبیت قدرت سیاسی نظام حاکمه و وقوع ناگهانی جنگ هشت ساله، پروژه‌هایی مانند اراضی عباس‌آباد از اولویت خارج شد. از این رو طرح‌های شهری اراضی عباس‌آباد از سال ۵۷ تا سال ۶۹ در یک دوره رکود به سر می‌برد [۳۵].





نمودار شماری ۳- روند شکل‌گیری طرح‌ها و بازنگری‌ها در اراضی عباس‌آباد پس از انقلاب؛ منبع پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد نویسنده‌ی دوم

بدون هیچ‌گونه اغراق، تحلیل طرح‌های شهری پس از انقلاب ۵۷، روندی پریچ و خم و البته پیچیده و دشوار است؛ از طرح‌های متعدد و بازنگری‌های پی‌درپی آن‌ها گرفته تا تعدد تاریخ‌های کلیدی پیشرفت پروژه و تغییر نام‌های گسترده در سطوح مدیریتی و اجرایی، همه و همه در به وجود آمدن این کلیت آشفته و بی‌نظمی ساختاریافته مؤثر هستند. از این رو علاوه بر روند طبقه‌بندی طرح‌ها که در مورد طرح‌های پیش از انقلاب نیز طی شد، وجود یک نمودار حرکتی که بتواند درعین روشنگری مسیر پیش‌رو، در حکم یک عنصر ساختاردهنده نه به منظور کاستن از آشفتگی‌های پیش‌رو که بیشتر گامی است برای اضافه نکردن بر پیچیدگی حجم و گستره وسیع آن‌ها.

چشم‌انداز اولیه مانند بعد ایدئولوژیک طرح‌ها

۱. نقش مرکزیت اجتماعی-فرهنگی [۲۵]
۲. تبدیل [تهران] به یک کلانشهر جهانی دارای امکان رقابت در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی [۲۵]
۳. نقش اراضی عباس‌آباد در امر هویت‌بخشیدن به شهر تهران [۲۵]

طرح ساماندهی فضایی گروه ایجاد

سال‌های آخر دهه ۶۰ همزمان با قدرت گرفتن جریان سازندگی و دوره شهرداری کرباسچی و نیز حمایت از ایده‌های تکنوکراتیک مبتنی بر اصل «توسعه» در سطوح کلان ملی، باز هم پروژه اراضی عباس‌آباد مورد توجه متولیان قرار گرفت؛ اراضی عباس‌آباد به واسطه پتانسیل‌های موجود می‌توانست به عنوان یکی از پروژه‌های محرک توسعه عینیت‌بخش ایده‌های تکنوکراتیک زمانه باشد. مجموعه اقداماتی که در اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ و به طور مشخص در بازه سال‌های ۶۹ تا ۷۱، بیشتر معطوف و متمرکز به بخش بالایی اراضی بود [۳۶]؛ به همین منظور در سال ۶۹ تهیه طرح به مهندسین مشاور ایجاد واگذار شد [۳۷] از همان ابتدا هدفی راهبردی مطرح شد؛

«ایجاد یک مرکز شهری جدید و کارآمد با جلوه‌های بصری زیبا» [۳۸]

« این مشاور در طرح خود، از ۲۰۰ هزار نفر جمعیت ساکن و شاغل، ۱۵ هزار نفر را به عنوان ساکنین مجموعه در نظر گرفته و مابقی را به شاغلین اختصاص می‌دهد» [۳۷]. بر اساس این عبارت، کاهش میزان ساکنین به ۱۵ هزار نفر و اختصاص بخش قابل توجه این ظرفیت به شاغلین، نشان از جهت‌گیری پروژه به سمت «اماکن گردشگری-تفریحی-تجاری-اداری-فرهنگی» دارد؛ به این معنا زمزمه‌های تبدیل اراضی عباس‌آباد به عنوان «مرکزیت اجتماعی-فرهنگی شهر تهران» در تقابل با انگاره «مرکز نوین پایتخت» مدت‌ها پیش‌تر از طرح جامع تهران به گوش می‌رسد. با وجود توجه ویژه به اماکن گردشگری-تفریحی-تجاری-اداری-فرهنگی، بخش مهمی از «اراضی به فضاهای باز و سبز» تخصیص یافته است [۳۷].

• ابعاد طراحانه-فضاسازانه

۱. بناهای یادبود و ابنیه تشریفاتی درخور پایتخت
۲. برج‌های بلورین برآمده از فضای سبز
۳. در قطعه شمالی [اراضی]، میدانی با عنوان میدان شهرداری به عنوان نقطه عطف در نظر گرفته شود؛ که در شمال آن اصلی‌ترین بنای مجموعه یعنی ساختمان شهرداری قرار گیرد

طرح مهندسین مشاور آتک-آرکولوگ

طرح پیشنهادی گروه ایجاد هیچ‌گاه به تصویب نرسید و در سال ۷۲ به مهندسین مشاور آتک-آرکولوگ واگذار شد. از آن جایی که در سال ۷۱ طرح جامع ساماندهی تهران تهیه شد؛ ویژگی مهم طرح‌های شهری اراضی عباس‌آباد در اوایل دهه ۷۰ به طور مشخص طرح پیشنهادی ایجاد و آتک-آرکولوگ به شکل واضحی تحت تأثیر مطالعات و پیشنهادات طرح جامع ساماندهی شهر تهران قرار دارد [۳۸]. در سال ۷۴ همزمان با ارائه و تصویب طرح پیشنهادی آتک-آرکولوگ انگاره تازه‌ای در ذهنیت طرح‌های شهری عباس‌آباد شکل گرفت؛ که نقش اراضی عباس‌آباد را فراتر از تصویر ارائه شده‌ی گروه ایجاد یعنی «ایجاد یک مرکز شهری جدید و کارآمد با جلوه‌های بصری زیبا» نقشی هویت‌بخش را برای این اراضی در نظر گرفته که در قالب عبارت زیر به عنوان هدف راهبردی طرح آتک-آرکولوگ مطرح شده است؛

«نقش اراضی عباس‌آباد در امر هویت‌بخشیدن به شهر تهران» [۳۸]

• ابعاد طراحانه-فضاسازانه

۱. استفاده از عناصر مطلوب و بومی شهرهای ایران

۲. ایجاد رگه بازار منطبق بر مسیر حرکت و محدوده‌های ارتباطی پیاده؛ مسیری جذاب و دلنشین و ایمن و راحت
۳. عناصر و ویژگی‌های زیبا و مطلوب شهرها [ایران]
۴. استفاده صحیح و به جا از الگوی بازار سنتی... به صورت نواری خطی... مفهوم رگه بازار بیان‌گر ستون فقرات و استخوان‌بندی محورهای اصلی است. نشان‌دهنده پیوستگی و تداوم ارگانیک اراضی عباس‌آباد و اتصال آن‌ها به هم انطباق مسیر پیاده بر این ستون فقرات نشانی از وجود یک ساختار پیاده ممتد

طرح جامع اراضی عباس‌آباد مهندسین مشاور نقش جهان-پارس

از زمان تهیه، ارائه و تصویب طرح پیشنهادی آتک-آرکولوگ سال ۷۴، اقداماتی بر مبنای آن صورت گرفت، اما بنا به علل مختلف اجرای کامل این طرح نیز با موانع درونی و بیرونی متعدد روبرو شد و تا سال ۷۷ عمل به آن در دستورکار ذهنیت پروژه قرار داشت [۳۹]؛ از اوایل دهه ۸۰ ضرورت تجدیدنظر در طرح تفصیلی اراضی عباس‌آباد مدنظر قرار گرفت؛ به همین منظور کمیسیون ماده ۵ با هدفی مشخص تجدیدنظر در طرح تفصیلی اراضی را در جلسه‌ای مورخ ۱۳۸۱/۶/۱۸ دستورکار قرار داد؛ «کاهش کاربری تجاری و افزایش فضای سبز» [۳۹]. همزمان در دهه ۸۰ به دنبال مطرح شدن ایده ۲۲ مشاور برای مناطق ۲۲ گانه و به دلیل درگیر بودن پروژه اراضی عباس‌آباد با مناطق سه گانه (۳-۶-۷)، شرکت نوسازی اراضی عباس‌آباد به منظور تحقق بخشیدن به مصوبه کمیسیون ماده ۵ در نیمه دوم سال ۸۲ با چهار شرکت مشاور درگیر در مناطق دربردارنده اراضی، شامل: فرهنگ، پارهاس، شاران و نقش جهان پارس قراردادی منعقد نمود [۳۷]؛ که اهداف اصلی این تیم طراحی به طور کلی در قالب عبارات زیر قابل مشاهده است:

«پیوند دادن اراضی [عباس‌آباد] به مرکز شهر تهران با رویکرد طراحی شهری. نگاهی به عرصه‌های عمومی. این طرح نه تنها به دنبال ایجاد مرکز سیاسی، اداری و حکومتی بلکه نقطه عطفی است که در آن، فضای شهری -در تعامل با کل تهران- برجسته شده و جایگزین بخش دولتی می‌شود» [۳۷].

از سوی دیگر طرح پیشنهادی از سوی چهار مشاور نتوانست به مرحله یک طرح جامع برسد و بر این اساس در پیچ و تاب‌های مطالعات و فرآیندهای ایده‌پردازانه، در نهایت در سطح تدوین و ارائه چارچوب‌های طراحی شهری به نقشه تفصیلی از پیش موجود ختم شد؛ جرایبی این موضوع در عبارت زیر قابل مشاهده و ملموس است؛

«متأسفانه با مخالفت یکی از چهار مشاور مذکور در مسیر مطالعات و ایده‌پردازی، تدوین چارچوب‌های طراحی شهری به تهیه نقشه طرح تفصیلی و جدول کاربری‌های اراضی منجر شد و به تصویب شورای عالی شهرسازی رسید» [۳۷].

از همین‌رو در سال ۸۴ دو گزینه ارائه و با گزینش یکی از این دو، با عنوان «طرح جامع اراضی عباس‌آباد» در تاریخ ۱۳۸۴/۴/۱۳ توسط شورای عالی معماری-شهرسازی به تصویب رسید. تصویب طرح جامع برای اراضی عباس‌آباد پیش از هر چیز بیانگر «اهمیت نمادین پروژه» در ذهنیت سوز و ابعاد ایدئولوژیک آن است؛ «طرح جامع اراضی عباس‌آباد» در مقابل «طرح شهستان پهلوی».

همزمان با ارائه سند راهبردی در کمیته هماهنگی تهیه طرح‌های توسعه شهری، مورخ ۱۳۸۴/۱۱/۱۵ بر ضرورت دقت بیشتر بر سند راهبردی با خروجی طرح جامع برای اراضی عباس‌آباد به عنوان طرح فرادست تأکید شد و ارائه راهبردی مشترک با آن در دستورکار قرار گرفت. بر این اساس آن چه در طرح جامع به عنوان سند بالادست برای اراضی عباس‌آباد در نظر گرفته شده در قالب عبارت زیر قابل مشاهده است؛

«[اراضی عباس‌آباد] جزء و عنصری برجسته از پهنه مرکزی شهر تهران است که در چارچوب پایداری اجتماعی-اقتصادی-زیست‌محیطی شهر و مجموعه‌ی شهری تهران و در تکمیل مرکز تاریخی تهران، نقش مرکزیت اجتماعی-فرهنگی را ایفا می‌نماید» [۲۵]

بر اساس ذهنیت شکل‌دهنده طرح و سازوکار هژمونیک آن، از همان ابتدا و از طریق طرح فرادست، منظرگاه ایدئولوژیک طرح پیشنهادی مشخص است؛ به همین دلیل آن چه به عنوان هدف راهبردی در عبارت زیر دیده می‌شود، نتیجه پیروی سوژه-اجتماع درگیر در این جا معادل تهیه‌کننده‌های طرح یعنی مشاور-است؛ که به واسطه تحمیل ابعاد ایدئولوژیک طرح به عنوان «عقل سلیم از پیش مورد توافق» بخشی از نظام تولید دانش شهرسازی [اجتماعی-تاریخی] را شکل می‌دهد؛

«تبدیل محدوده به یک مرکز اجتماعی-فرهنگی برای شهر تهران و یکی از نقاط اصلی در عینیت شهر و ادراک شهروندان به عنوان جزء تکمیل و تکامل بخش مرکز تاریخی شهر تهران» [۲۵]

از سوی دیگر ذهنیت طرح در راستای جهت‌گیری به سمت دیگری (میل-ابژه: علت میل) یعنی انگاره منتهیسم و تحقق بخشیدن حداکثری آن-و نه الزاماً برآورده‌نمودن؛ چون عملاً این اتفاق نمی‌افتد- از واژگانی کمک می‌گیرد که در این مسیر یاری‌دهنده هستند؛ کلانشهر جهانی، رقابت‌پذیر و... عبارت زیر نشانگر تلاش ذهنیت طرح و اصرار آن برای تحقق بخشیدن به میل در ساحت خیالی است؛ «کمک به تأمین نیازهای فضایی-کالبدی کلانشهر تهران و ناحیه مرکزی آن تبدیل به یک کلانشهر جهانی دارای امکان رقابت در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی» [۳۸]

پس از دقت بیشتر در سند راهبردی طرح با خروجی طرح جامع و ارائه راهبردی مشترک، در جلسه‌ای مورخ ۱۳۸۴/۱۲/۱۵ تهیه طرح تفصیلی با مقیاس ۱/۱۰۰۰ به مشاور طرح یعنی مهندسین مشاورین نقش جهان پارس سپرده شد که عنوان کامل آن عبارت است از؛

«طرح تفصیلی فضایی-کالبدی اراضی عباس‌آباد» [۳۹]

پس از ابلاغ تهیه طرح تفصیلی از سوی شرکت نوسازی عباس‌آباد به مهندسین مشاور نقش جهان پارس، بنا شد این مشاور، طرح را در چهار بخش به پیش برد [۳۹]؛

- ۱- تدوین برنامه، دربرگیرنده مطالعات پایه و برنامه‌ریزی عملکردی کالبدی
- ۲- طراحی و تهیه طرح، تدوین ضوابط و تعریف پروژه‌ها و مشخصات آن‌ها،
- ۳- برنامه‌ریزی و تحقق‌پذیری پروژه‌ها
- ۴- هماهنگی عمومی

یکی از مهمترین خروجی‌های این طرح، تعریف ۳۲ پروژه اجرایی به صورت مستقل و اقدام برای تهیه طرح و برنامه برای آن‌هاست [۳۹]؛ از سوی دیگر یکی از سیاست‌های مهم مطرح شده در طرح جامع اراضی عباس‌آباد، در نظر گرفتن محدوده موردنظر به عنوان یک عنصر یکپارچه در بستر شهر است که در قالب عبارت زیر به عنوان یک سیاست در طرح پیشنهادی نقش جهان پارس قابل مشاهده است:

«کل اراضی عباس‌آباد یک عنصر واحد و یکپارچه است و لذا برنامه‌ریزی و طراحی این اراضی نیز بایستی تحت عنوان یک برنامه و طرح واحد صورت پذیرد».[۲۵]

همزمان با تصویب طرح جامع اراضی عباس‌آباد و نیز تنظیم قرارداد برای تهیه طرح تفصیلی برای این محدوده، به طور همزمان دو ایده در عقل سلیم ذهنیت برساننده طرح حضوری پررنگ دارد؛ دو ایده که با دو واژه پیوند می‌خورد: پارک-باغ. ریشه این نگاه را باید در عبارت زیر جست‌وجو نمود که به عنوان راهبرد در طرح جامع اراضی عباس‌آباد قابل مشاهده است و بر ویژگی‌های منحصر به فرد این محدوده از منظر اکولوژیک تأکید دارد؛

"حفظ کیفیت طبیعی تپه‌ها به عنوان یکی از ۴ لکه ذخایر باقی‌مانده اکولوژیکی درون‌شهری تهران" [۲۵]

معمولاً استفاده از کلیدواژگان و عبارت‌هایی مانند «حفظ کیفیت طبیعی تپه‌ها» جنبه‌ای صوری-ظاهری یافته که در بعضی موارد به منظور «خالی نماندن عریضه، تیک آن هم زده می‌شود». این موضوع را می‌توان در «اسناد موجود» چه «طرح‌های تهیه شده» و چه «مصاحبه‌های موجود» به وضوح مشاهده نمود؛ مطرح نمودن دو ایده پارک و باغ در ذهنیت برساننده این اسناد دقیقاً چنین کارکردی دارد.

«یک باغ میدان به عنوان [محل] تجمعات مردمی در شمال مصلی (پس از بزرگراه رسالت)» [۲۵]

«به نظر من تپه‌های عباس‌آباد که بخش عظیمی از اراضی عباس‌آباد را تشکیل می‌دهد، بهتر است به پارک تبدیل شود و اگر قرار است معماری‌ای در آن اجرا شود، بهتر است در درون تپه‌ها بوده و بیرون‌زدگی‌اش به شدت پایین و به صورت طراحی یک باغ باشد؛ باغ اسلامی، باغی که منطبق بر اقلیم است» [۴۰]

• ابعاد طراحانه-فضا‌سازانه

۱. انطباق با ویژگی‌های مورفولوژیک-فضایی-عملکردی شهرهای ایرانی-اسلامی [۲۵].
۲. مهمترین عنصر سازمان فضایی پهنه مرکزی، محورهای اصلی عملکرد فعالیت هستند که تداوم ارتباط و انسجام با سایر عناصر برقرار می‌سازند؛ از این رو از جبهه جنوب غربی محورهای عباس‌آباد، میدان آرژانتین و محورهای متصل به آن و امتداد محور ولیعصر و از شمال کانون‌ها و محورهای فعالیت آفریقا (شمالی)، میدان ونک و حوزه میرداماد وارد حوزه اراضی می‌شوند؛ بر این اساس محور مجهز اصلی شمالی-جنوبی آفریقا در غرب اراضی پیشنهاد می‌شود [۲۵].
۳. باغ اهمیت ویژه‌ای در فرهنگ شهری ایران داشته و می‌تواند انتخاب مناسبی برای طراحی این اراضی باشد [۲۵].
۴. از سال ۸۵ تا ۹۳ با یک مطالعه دقیق‌تر از این پروژه از گذشته تصمیم گرفتیم زمینه پارک‌ها را در طرح تفصیلی لحاظ کنیم که دفتر پژوهش‌های فرهنگی نیز ۴۰ جلد کتاب مفهومی برای زمینه پارک‌ها نوشتند [۳۶].
۵. استفاده از ایده باغ در طراحی این اراضی. هر یک از این باغ‌ها می‌توانند کوشک‌هایی را در درون خود داشته باشند که به تناسب احتیاج به بناهای با عملکردهای متفاوت تخصیص داده می‌شوند. اندازه کوشک‌ها باید به اندازه‌ای باشد که کیفیت باغ‌گون بودن آن‌ها را از بین نبرد. با احتساب سه باغ به نام‌های باغ فرهنگ (فرهنگستان)، باغ دانش (کتابخانه ملی) و باغ میدان (گلگشت مصلی) جمعاً ۱۴ باغ پدید می‌آید [۲۵].

جمع‌بندی: تناظر ابعاد طراحانه-فضاسازانه و ابعاد ایدئولوژیک در طرح‌های شهری اراضی عباس‌آباد



شکل شماره ۱۴- طرح پیشنهادی نقش جهان پارس؛ منبع: مهندسین مشاور نقش جهان پارس

طرح‌های شهری اراضی عباس‌آباد پیش از انقلاب

ابعاد طراحانه-فضاسازانه

طرح پیشنهادی لولین-دیویس	طرح پیشنهادی کنزو تانگه	طرح پیشنهادی لویی کان
هندسه‌ی مسلطِ زوایای قائم با آرایش مستطیل شکل تأکید بر ساختار محوری تأکید بر فرم‌های کلان مقیاس	برج‌های بلندمرتبه تأکید بر فضای خطی و نقاط گرهگاهی	یک میدان مستطیل شکل با جهت‌گیری شمالی-جنوبی در بخش مرکزی محدوده فضایی بیضی شکل با فاصله‌ای اندک از میدان مستطیل شکل مرکزی محدوده‌ی بلوک‌ها با چینش مثالی شکل به عنوان کانون اجتماعی-مدنی طرح (کانون اجتماعی-مدنی الماس)

ابعاد ایدئولوژیک

یک مرکز مدرن شهری به عنوان نماد حرکت جامعه‌ی ایرانی به سوی مدرنیته
 یک پلازای مرکزی به عنوان نماد فرهنگی-هویتی تاریخ شاهنشاهی ۲۵۰۰ ساله‌ی ایران
 مجموعه‌ای تشریفاتی برای نمایش قدرت و شکوه به مخاطبان داخلی و خارجی
 جدول شماره ۱- تناظر ابعاد فضاسازانه و ابعاد ایدئولوژیک طرح‌های شهری اراضی عباس‌آباد پیش از انقلاب

طرح‌های شهری اراضی عباس‌آباد پس از انقلاب

ابعاد طراحانه-فضاسازانه

طرح ساماندهی فضایی گروه ایجاد	طرح پیشنهادی آتک-آرکولوگ	طرح پیشنهادی نقش جهان پارس
-------------------------------	--------------------------	----------------------------

بناهای یادبود و ابنیه‌ی تشریفاتی درخور پایتخت	استفاده از عناصر مطلوب و بومی شهرهای ایران	انطباق با ویژگی‌های مورفولوژیک-فضایی- عملکردی شهرهای ایرانی-اسلامی
برج‌های بلورین برآمده از فضای سبز در قطعه‌ی شمالی [اراضی]، میدانی با عنوان	ایجاد رگه‌ی بازار منطبق بر مسیر حرکت و محدوده‌های ارتباطی پیاده؛ مسیری جذاب و دلنشین و ایمن و راحت	اساس محور مجهز اصلی شمالی-جنوبی باغ اهمیت ویژه‌ای در فرهنگ شهری ایران داشته و می‌تواند انتخاب مناسبی برای طراحی این اراضی باشد
میدان شهرداری به عنوان نقطه‌ی عطف در نظر گرفته شود؛ که در شمال آن اصلی‌ترین بنای مجموعه یعنی ساختمان شهرداری قرار گیرد.	عناصر و خصوصیات زیبا و مطلوب شهرهای ایران [استفاده‌ی صحیح و به جا از الگوی بازار سنتی]	بهره‌گیری از ایده‌ی تم پارک‌ها استفاده از ایده‌ی باغ در طراحی این اراضی
ابعاد ایدئولوژیک		
نقش مرکزیت اجتماعی-فرهنگی		
تبدیل [تهران] به یک کلانشهر جهانی دارای امکان رقابت در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی		
نقش اراضی عباس‌آباد در امر هویت‌بخشیدن به شهر تهران		

جدول شماره‌ی ۲- تناظر ابعاد فضا‌سازانه و ابعاد ایدئولوژیک طرح‌های شهری اراضی عباس‌آباد پس از انقلاب

نتیجه‌ی ضمنی تحلیل اطلاعات موجود در جدول‌های جمع‌بندی:

گرچه در نگاه اول، ایده‌های طراحانه- فضا‌سازانه موجود در هر طرح، متفاوت از دیگری به نظر می‌رسد، اما در ورای این تفاوت‌های صوری-ظاهری، هر یک از آن‌ها از منطق ایدئولوژیک مشخصی پیروی می‌کند؛ منطقی که همانا درصدد تحقق بخشیدن به چشم‌اندازهای اولیه از قبیل اراضی عباس‌آباد مانند «مرکز نوین پایتخت» و یا «مرکزیت اجتماعی-فرهنگی پایتخت» است. بر این اساس می‌توان ابعاد طراحانه- فضا‌سازانه هر یک از طرح‌های پیشنهادی را تلاشی برای تحقق ابعاد ایدئولوژیک ناظر بر آن‌ها دانست؛ که به شکل واضحی در چشم‌اندازهای نخستین طرح‌های پیشنهادی به چشم می‌خورد.

نتیجه‌گیری

بیش از نیم قرن از آغاز توجه گسترده و همه‌جانبه نسبت به محدوده اراضی عباس‌آباد می‌گذرد؛ البته اگر نقطه آغاز این توجه طرح جامع اول تهران در نظر گرفته شود. موقعیت خاص این محدوده سبب توجه ویژه تصمیم‌سازان، تصمیم‌گیران، برنامه‌ریزان و طراحان شهری شده است. نشانه‌های این توجه ویژه را می‌توان در عبارت‌هایی مانند «مرکز نوین پایتخت» و «مرکزیت اجتماعی-فرهنگی پایتخت» مشاهده کرد؛ که هر یک چشم‌اندازی برای طرح‌های شهری تولید شده در دو بازه زمانی پیش و پس از انقلاب اسلامی هستند. اما با وجود اهمیت جنبه‌های طراحانه- فضا‌سازانه هر یک از این طرح‌ها، ابعاد ایدئولوژیک نهفته در پس آن، توجه ویژه‌ای طلب می‌کند. در این مقاله پی بردن به این جنبه ایدئولوژیک از طرح‌های شهری تهیه شده، به میانجی روش تحلیل گفتمان ممکن شد. به این ترتیب از طریق ایجاد آگاهانه یک دوگانه میان ابعاد طراحانه فضا‌سازانه از یک سو و وجه ایدئولوژیک طرح‌ها از سوی دیگر، روند تحلیل به سمت همین تمایز اولیه سوق یافت. بهره‌گیری از این تمایز به معنای تفکیک کامل این دو بعد از یکدیگر نیست؛ چرا که در عمل نمی‌توان چنین مرز مشخصی میان این دو نشان داد. به همین دلیل این تمایز، بیش‌تر در برای ارائه تحلیلی دقیق‌تر از طرح‌های شهری اراضی عباس‌آباد انجام شده است.

تمایز میان دو بعد طراحانه- فضاسازانه و ایدئولوژیک طرح‌های شهری، از روش‌شناسی پژوهش ناشی می‌شود؛ چرا که بر مبنای ریشه‌های ساختارگرایانه و زبان‌شناسانه آن، دو بعد عوامل درون‌زبانی و برون‌زبانی از یکدیگر تفکیک شده و مورد تحلیل قرار می‌گیرد. بر این اساس، در ذهنیت مقاله پیش‌رو، بعد طراحانه-فضاسازانه ناظر بر عوامل درون‌زبانی بوده و بعد ایدئولوژیک طرح‌ها متناظر با عوامل برون‌زبانی قرار می‌گیرد. البته منظور از «برون‌زبانی» جایی بیرون از طرف زبان و گفتمان‌های برآمده از آن نیست؛ بلکه این عبارت به چیزی ورای جنبه‌های صوری-ظاهری زبان- و در مقاله پیش‌رو بعد طراحانه و فضاسازانه- اشاره دارد. به این ترتیب چنان که ساختار نحوی و دستوری قوام‌دهنده واژگان است، بعد ایدئولوژیک طرح‌های شهری می‌تواند به جنبه‌های طراحانه- فضاسازانه آن‌ها تعیین ببخشد. به این ترتیب می‌توان دو وجه طراحانه فضاسازانه و ایدئولوژیک طرح‌های شهری اراضی عباس‌آباد را در پیوند با دو بعد درون‌زبانی و برون‌زبانی در پیوند قرار داد.

با فرض تناظر فوق، می‌توان صورت‌های گفتمانی موجود در متن هر یک از اسناد مرتبط با طرح‌های شهری را تحلیل نمود. بر این اساس همان‌گونه که صورت گفتمانی طرح‌ها از «مرکز نوین پایتخت» به «مرکزیت اجتماعی-فرهنگی پایتخت» تغییر می‌یابد؛ اقدامات، مداخلات و حتی ایده‌های طراحانه- فضاسازانه آن نیز حول نظام واژگانی جدیدی سامان می‌گیرد. این سازماندهی پیش از هر چیز در متن اسناد مرتبط با طرح‌ها و عبارت‌های برآمده از آن قابل مشاهده است. اما در عین حال منطق این ساماندهی مسیری کم و بیش مشابه را طی می‌کند؛ چرا که در هر دو مورد، تلاش برای احیای گذشته‌ای است که صفاتی مانند بزرگی، شکوه و حتی زیبایی بصری برای آن به کار گرفته می‌شود: گذشته‌ای که تلاش می‌شود تا به میانجی ایده‌های طراحانه-فضاسازانه‌ی متناسب با آن، به هر شکلی در لحظه حال بازتولید شود. بر این اساس می‌توان از طریق ردیابی این ایده‌ها، علاوه بر فهم منشأ تولید آن‌ها به ابعاد ایدئولوژیک موجود در پس لایه‌های طراحانه فضاسازانه طرح‌ها پی برد.

تشکر و قدردانی:-

منابع مالی / حمایت‌ها:

سهم نویسندگان در مقاله: سهم برابر نویسندگان در تولید محتوای مقاله (هر کدام ۵۰٪)

منابع

1. Fine, Gary Alan and Sandstrom, Kent. (1993). Ideology in Action: A Pragmatic Approach to a Contested Concept. American Sociological Association.
2. Thompson, JB. (1984). Studies in the Theory of Ideology. Berkeley, CA: University of California Press.
3. Purvis, Trevor and Hunt, Alan. (1993). Discourse, Ideology, Discourse, Ideology, Discourse, Ideology. The British Journal of Sociology.
4. Fairclough NL. (1985). Critical and descriptive goals in discourse analysis. Journal of Pragmatics.9: 739-763.
5. Eagleton, Terry (2002). An Introduction to Ideology. Translation: Akbar Masoom Beigi - Tehran Publishing.
6. Zanutto M Juliana. (2020). The role of discourses in enacting neoliberal urbanism: Understanding the relationship between ideology and discourse in planning. Planning theory.
7. Van Dijk TA. (2006). Ideology and discourse analysis. Journal of Political Ideologies. 11(2): 115-140.
8. Moradi, Shahab. (1398). Ideology from Althusser's point of view. Journal of Imagination. 17 January.
9. Althusser, Louis. (2007). Ideology and ideological mechanisms of the state; Translated by Roozbeh Sadr Ara Tehran, Cheshmeh Publishing.
10. Fairclough, Norman. (1379). Critical analysis of discourse. Publication of Culture, Art and Communication Research Institute.
11. Towfigh et al. (1397). Name the suspension. Art Mania Publishing.

12. Matthews, Eric. (1395). French philosophy in the twentieth century. Translation: Mohsen Karimi. Phoenix Publishing.
13. Van Dijk TA. (1998). Ideology: A Multidisciplinary Approach. London; Thousand Oaks, CA; New Delhi, India: SAGE.
14. Van Dijk TA. (1993). Principles of critical discourse analysis. *Discourse & Society*. 4(2): 249–283.
15. Tett, Alison. Wolfe, Jeanne M. (1991). Discourse Analysis and City Plans. *Journal of Planning Education and Research*.
16. Jensen, Country. Hazelton, Josephine. Wellman, Gerard. (2019). Finding “Improvement” in the Language Transportation Planners Use: A Critical Discourse Analysis to Illustrate an Automobile- Centric Bias in Transportation Policymaking. *Public Works Management & Policy*. 1-22
17. Selkie, Raphael. (1995). text and discourse analysis. language workbooks.
18. Boyer, C. (1983). *Dreaming the Rational City*. Cambridge: MIT Press.
19. Lotfipour Saedi, Kazem. "Introduction to Speech Research", *Journal of Linguistics*, Spring and Summer 1993. Page 10
20. Creswell, John. (2014). *Research Design: Qualitative, Quantitative and Mixed Methods Approaches*. Sage.
21. Descartes, René. *Reflections on the First Thought*. Translated by Ahmad Ahmadi 2002. Publication side. Third edition.
22. Allmendinger, Phil. Haughton, Graham. (2010). Spatial Planning, Devolution, and New Planning Spaces. *Environment and planning C: Politics and Space*.
23. Stremke, S. Koh, J. (2010). Ecological concepts and strategies with relevance to energy-conscious spatial planning and design. *Environment and planning B: Urban Analytics and City Science*.
24. Farmanfarmaeian, Abdul Aziz. Groen, Victor (1968). *Tehran Master Plan*. Tehran. The second stage. Tehran Studies and Planning Center.
25. The Naghsh Jahanpars, consulting engineers (2005). *Comprehensive plan of Abbas Abad lands*.
26. Emami, Farshid. (2014). Urbanism of Grandiosity: Planning a New Urban Centre for Tehran (1973–76). *International Journal of Islamic Architecture* Volume 3 Number 1.
27. Madanipour, Ali. (2013). *Tehran: The Making of a Metropolis*, 205. Routledge
28. Robertson, Jaquelin T. (1977). ‘Shahestan Pahlavi: A New Center for Tehran’, *RIBA* 84.4: 136–47, 138.
29. Bahraini, Hussein et al. (2013). *Analysis of theoretical foundations of contemporary urban design*. University of Tehran Press.
30. Tange, Kenzo. (1976). ‘Abbas Abad New City Center’, *The Japan Architect* 51: 104–09.
31. Bacon, Edmund. *Cities design*. Translated by Farzaneh Taheri. (1997) *Iran Urban Planning and Architecture Studies and Research Center*.
32. Carmona et al. *Public Space The Management Dimensions*. Translation: Iraj Asadi and Mehdi Abbas Zadeh (2017). Publication side
33. Louis I. Kahn interview with *Art and Architecture Magazine* (1971). Issue eight. 66-68
34. Talinn, Grigor. (2009). *Building Iran: Modernism, Architecture, and National Heritage under the Pahlavi Monarchs* (New York: Periscope/Prestel.
35. Abrahamian, Ervand. (1982) *Iran Between Two Revolutions* (Princeton, NJ: Princeton University Press.
36. Mir Hosseini, Seyed Javad. (2018). Interview at Vartan House
37. Shafaei, Sepideh. (2010). *Nazar Garden Magazine*. Issue 8: p. 70
38. ATEC, Consulting Engineers. (1992). *Tehran maintenance plan. The first stage of physical studies. Volume Four*. Tehran. Ministry of Housing and Urban Development [Atek, Arcolog (1995). *Abbas Abad Land Proposal Plan*]
39. Abai, Maziar (1998). *Rereading the urban design process with emphasis on feasibility*. Doctoral dissertation. University of Tehran
40. Muzaffar, Farhang. (2010). *Nazar Garden Magazine*. Issue eight. p. 70

Discourse Analysis of Spatial and Ideological Dimensions of Urban Plans of Abbas Abad Lands

Farshad Nourian¹, Alireza Khadem Arani²

1. Associate Professor, Faculty of Urban Planning, University of Tehran.

2. Graduate of Urban Planning (Urban Design), University of Tehran.

fnoorian@ut.ac.ir

Abstract

Aims: Abbas bad lands have a special place and position in the city of Tehran and for this reason, during the last half century, it has always been considered by decision-makers, planners and urban designers. The urban plans presented for these lands, in addition to the design-spatial aspects, contain special ideological dimensions that may not be obvious at first glance. Understanding and explaining these dimensions, along with providing a coherent reading of the process of formation of urban plans in the area of Abbas Abad lands, is the main purpose of the present article.

Methods: In order to better understand these two aspects, the method of discourse analysis is used. Accordingly, relying on a structuralist approach based on linguistic teachings in the face of existing documents, the two parts of intra-lingual and extra-lingual factors are opposed to each other.

Results: Based on the methodological approach of the article, on the one hand, intralingual factors include design-spatial aspects of the design and on the other hand, extralinguistic factors related to its ideological aspects. Accordingly, it is shown that the existing ideas in the design-spatial dimensions of each of the proposed plans are an attempt to realize a part of the ideological dimension of this plan; Which, ironically, can be seen in their first perspectives.

Conclusion: Despite the formal differences in the spatial dimensions of urban plans of Abbas Abad lands in the two time periods considered in the article, each of these plans has a specific and unique ideological logic. Follows himself; Which is clearly tied to the initial perspectives of the designs.

Keywords: Abbas Abad Lands, Spatial Dimensions, Ideological Dimensions, Urban Plans, Discourse Analysis